

اکثریت نادان و اقلیت خائن

من آنچه در طول هفتاد و چهار سال عمرم از لابلای اوراق تاریخ افغانستان کهن آموخته ام و یا دیدی از اوضاع اجتماعی مادروطن عزیزم داشته ام. به این باور بودم که عوامل اساسی تمام عقب مانیها و بدبختیها در کشور عزیز ما بیدانسی تمیلی اکثریت قاطع ملت مظلوم افغان که در چنگالهای عده ای از ملاها، ملکان و قدرتطلبان خود فروخته شده خائن و دون صفت میباشد که در نوکری اغیار منافع شخصی را بلندتر از منافع ملی دانسته اند و با خوشخدمتی به باداران خارجی خود از هیچ نوع خیانت به مادروطن و هموطنان دریغ نکرده اند و نمیکنند.

مطلب از انتخاب عنوان فوق اینست که خوشبختانه در این اواخر دوست نهایت گرامی و عزیزم سید جلال معصومی بعد از خواندن اثر اخیرم که تحت عنوان "افغان افغان" میباشد به تائید نوشته های من لطف فرموده اند و ایمیلی را که عنوانش "اکثریت نادان و اقلیت خائن" میباشد برایم ارسال فرموده اند که اینک متن ایمیل را که مصاحبه جالب و بیانگر دسایس شوم قدرت استثمارگر و استعمارگر دولت برتانیا میباشد و الی امروز از آن چه (قدرت) های شرقی بوده اند و یا غربی برای رسیدن اهداف استعماری خود استفاده و ملت های دور و نزدیک فقیر، بیچاره و بیدفاع را در بیسوادی و بیدانسی حفظ و سرنوشت شانرا به چنگال خونخواران وطنفروش خود خریده شان سپرده اند جنسآبه توجه خوانندگان نهایت گرانقدر هم میهنم میرسانم.

اوریاننا فلاچی در یک مصاحبه از

وینستون چرچیل سوال میکند.

آقای نخست وزیر،

شما چرا

برای ایجاد یک دولت استعماری و دست نشانده به آنسوی اوقیانوس هند میروید و دولت هند شرقی را بوجود می آورید.

آیا این کار را نمی توانید در بیح گوش خودتان یعنی در آیرلند که سالهاست با شما در جنگ و ستیز است انجام دهید.

وینستون چرچیل بعد از اندکی تأمل پاسخ میدهد.

برای انجام این کار به دو ابزار مهم احتیاج هست که این دو ابزار مهم را در آیرلند در اختیار نداریم.

خبرنگار سوال میکند این دو ابزار چیست؟ چرچل در پاسخ میگوید.

اکثریت نادان و اقلیت خائن.

هموطنان گرانقدر شاهد میباشند که قدرتهای اشغالگر به تعقیب سیاست دیرینه فوق الذکر بریتانیا در مدت سی و دو سال اخیر الی امروز چطور با استفاده از بیسوادی و بیدانسی تحمیل شده خودشان بر ملت مظلوم و ستمدیده افغان سرنوشت کشور عزیز و هم میهنان ما را در چنگالهای پرخون جنایتکاران خائین، وطنفروش و مزدوران دون صفت هموطن خود ما سپرده اند و با آغوش گرفتن یک مشت از خائنین و جانیان هموطن خود ما بسیار محیلانه و مکارانه بنامهای آزادی، دیموکراسی و حقوق بشر بر ضد آزادی، دیموکراسی و حقوق بشر عمل و ملت مظلوم افغان را در اشغال خود بکلی مضمحل و هر روز از روز قبل بطرف گودال بدبختیهای غیر قابل تصور و سرنوشت نامعلوم سوق میدهند.

هموطنان عزیز لطفاً بیدار شوید دوست و دشمن مادروطن و ملت افغان را بشناسید و با یک مشت آهنین و قد رسا به پا برخیزید و فغان افغان را در سراسر جهان بلند و بگوئید که جنگ راه حل نیست ما یک ملت واحد افغان نیم دیگر دسایس شما کارا نیست، اگر واقعاً شما به صلح، آزادی، دیموکراسی واقعی مطابق شرایط اجتماعی افغانستان و حقوق بشر معتقد میباشید و خود را دوست ملت افغان و افغانستان میگوئید لطفاً با ملت نجیب و پاک افغان دست انسانیت و صداقت را دراز و با حاکمیت قانون سرنوشت خائن و جنایتکاران را که مغایر حقوق بشر در سی و دو سال اخیر عمل کرده اند بدست قانون سپرده و سرنوشت آینده کشور را به ملت نجیب افغان بسپارید تا با تفاهم و حسن نیت همجواری با کشورهای همسایه، کشورهای ذیدخل و جهان صلحدوست در قضای صمیمیت و صداقت قضیه ای افغانستان را بشکل بسیار آبرومندانه حل و قضای صلح را در افغانستان و منطقه ایجاد نمایند.

بلی این آرزو وقتی برآورده شده میتواند که اولاً تمام خواسته های ملت افغان و کشورهای ذیدخل در یک کانفرانس بین الافغانی دانشمندان بیطرف، وطندوست با تقوا تحت سرپرستی سازمان ملل متحد مطرح و بعد از توافق به یک پلان وستراتیژی که جوابگوی راه حل شرافتمندانه برای قضیه ای افغانستان باشد موضوع در یک کانفرانس منطقوی که متشکل از افغانستان و کشورهای همسایه باشد تحت سرپرستی سازمان ملل متحد مطرح گردد.

بالاخره فیصله کانفرانس منطفوی در یک کانفرانس بین مللی تحت سرپرستی سازمان ملل متحد مطرح و بعد از فیصله نهائی موضوع به شورای امنیت ملل متحد ارجاع و بعد از فیصله شورای امنیت در عمل تطبیق شود.

عرایض من برای هموطنان عزیزم چه در جنگ دخیل اند ویاخیر، قدرتهای اشغالگر و همسایگان اینست که دوام جنگ بخیر هیچ یک نیست، جنگ خصلت حیوانی و حیوان صفتان است انسان اشرف مخلوقات است لهذا ما آنچه را باید انجام نمایم که در آن خیر بشر باشد یعنی به آزادی بشر که خداوند (ج) آنرا آزاد خلق و در منشور سازمان ملل متحد حق آزاد زیستن و آزاد گفتن داده شده نه منافع خائنین و جنایتکاران داخلی و خارجی که خود را فوق همه مسائل انسانی و بشری میدانند.

هموطنان عزیز پیشنهاد مینمائیم که برای آغاز کار پیشنهادات مؤرخ 2 جنوری 2010م اینجانب را که در وقتش به لسانهای دری و انگلیسی در ویبسایتهای مختلف به نشر رسیده دست به اقدام شوید اگر به آن مؤفق نباشید بالای آن خط بطلان بکشید پیشنهاد دیگری را که طرف قبول همه جوانب ذیدخل برای ایجاد صلح باشد از طرف دانشمندان گرانقدر ترتیب و به کانفرانس بین الافغانی پیشکش شود.

ومن الله توفیق.